

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام‌های سیاسی

#### پاسخ به سوالاتی که از طرف برخی شباب ایراد شده است

#### (ترجمه)

1- کسی پرسیده است: آیا ممکن است که امریکا پیمانی مانند پیمانی که "کندی" با "خروشچف" در سال 1961م به امضاء رساند، با چین به امضاء برساند؟ آیا چنین سخن می‌تواند معقول باشد؛ مخصوصاً که چین به عنوان یک قدرت جهانی اقتصادی به یک تهدید درجه یک قدرت به ایالات متحده امریکا تبدیل شده است؟ سوال دیگر اینست که تهدیدهای امریکا بر چین در "تایوان" به این مسئله چی ربطی دارد؟

پاسخ اینست که انعقاد چنین توافقنامه‌ای بعید به نظر می‌رسد؛ بلکه واقعیت اینست که امریکا می‌خواهد پای چین را در جنگ با تایوان داخل نموده تا بتواند آن را مهار و اراده‌اش را در اختیار گرفته و چین را از حمایت روسیه در اوکراین مانع شود. بناءً امریکا به این اعمال تحریک‌آمیز در چین اقدام می‌کند و متحدانی به اطراف خود جمع می‌کند تا بر ضد چین اقدام نموده و تحریم‌هایی را وضع نمایند. در حقیقت یک جنگ اقتصادی را امریکا علیه چین به راه انداخته. لذا به نظر می‌رسد که امریکا بر این اعمالش تا وقتی مسئله "تایوان" به پایان برسد، ادامه دهد؛ زیرا چین بر این موقف خود اصرار دارد که باید "تایوان" بر خاک چین بیبویند؛ اگرچه به زور باشد؛ چنانچه این مسئله را "شی جین پینگ" رئیس جمهور چین بیان کرد؛ شخصی که به تازه گی برای دور سوم ریاست جمهوری به مدت پنج سال تعیین گردیده است. وی گفت: «چین از حق استفاده قدرت خود با تایوان به عنوان راهکار اخیر و در شرایط سخت هرگز شانه خالی نمی‌کند.» (منبع: الجزیره 16 اکتبر 2022م)

چین حوادثی را که در اوکراین در حال وقوع است و همچنان حوادثی که در آینده در این کشور اتفاق خواهد افتاد، نظارت می‌کند تا در صورت شکست سنگین روسیه در اوکراین، این فاجعه نسبت به وی تکرار نشود. ما دیدیم که چین از حمایت روسیه در اوکراین خودداری نموده و حتی بعد از این که ابتداء حمایتش را از روسیه اعلان کرده بود، رجوع و با روسیه توافق‌نامه در این خصوص به امضاء رساند و موقف بی‌طرفانه‌ای را به خود گرفت؛ موقفی که به روسیه ضرر وارد نموده و پوتین این موقف را یک موقف متوازن خواند تا طوری وانمود سازد که وقتی آن را انتقاد و سرزنش می‌کند، از دست ندهد. بناءً احتمال می‌رود که امریکا تا وقتی این امور را تمام نسازد، چنین توافق‌نامه تقسیم بین المللی منعقد نمی‌سازد؛ چنانچه در گذشته با اتحاد جماهیر شوروی منعقد ساخته بود. همچنان با وی توافق‌نامه به امضاء نمی‌رساند تا نفوذ خود را در منطقه دریای جنوبی و شرقی چین ایجاد نماید؛ زیرا در این صورت دولت‌ها بر ضد آن عمل نموده و بر منع آن از این دو منطقه اقدام می‌کنند.

2- شخص دیگری سوال نموده است: «روسیه می‌تواند مانند بحران موشکی کوبا با تهدید ایالات متحده امریکا را جواب دهد؛ چنانچه اتحاد جماهیر شوروی در گذشته انجام داده است؛ پس چرا این عمل را انجام نداده؟» جواب به این سوال اینست که این یک سخن غیر واقعی نسبت به روسیه است؛ روسیه‌ای که خودش اعتراف می‌کند که امریکا از وی قوی‌تر است؛ برخلاف اتحاد جماهیر شوروی سابق که موازی با قدرت امریکا بود. برای بررسی و درک این مسئله می‌توانیم به این موضوع اشاره کنیم که قدرت هسته‌ای این دو کشور امروز تقریباً برابر است؛ اما امریکا دارای سپر موشکی است که از آن در برابر موشک‌های روسیه محافظت می‌کند؛ ولی روسیه مثل این سپر موشکی ندارد و آنچه روسیه از ساخت موشک‌های جدید با قابلیت تجاوز از این سپر موشکی اعلام کرده هنوز در مراحل اولیه می‌باشد. یعنی این که تعداد موشک‌های هسته‌ای روسیه که به اراضی امریکا دست‌رسی داشته باشد و از سپرهای موشکی امریکا تجاوز کند، در خدمت روسیه فعلی کم بوده؛ اما در مقابل تمام موشک‌های قدیمی نصب شده امریکا که دست‌رسی به خاک روسیه را داشته باشد، موجود می‌باشد. این علاوه بر آن پیش‌رفت وحشتناک سلاح‌های متعارف امریکا مانند طیارات/جنگنده‌های بی‌سرنشین، طیارات/جنگنده‌های رادارگریز و موشک‌های هوشمندی است که روسیه نزدیک به شبیه آن را ندارد؛ چنانچه جنگ اوکراین ثابت ساخت که سلاح هوایی روسیه ضعیف بوده؛ در

حدی که نتوانست فضای کشوری مانند اوکراین را تحت تسلط بگیرد. هواپیماهای بی‌سرنشین پس مانده این کشور و گزارشات موجوده مبنی بر استعمال روسیه از بی‌سرنشین‌های ایرانی در جنگ با اوکراین و نیز نقاط ضعف نیروهای متعارف روسیه از این موضوع بوده که این نقاط ضعف را جنگ اوکراین آشکار و توهمات بزرگ را دور ساخت. می‌توان گفت؛ آیا این قدرت بزرگ است که برایش مقدور نبوده تا طی هشت ماه دولت کوچکی مانند اوکراین را با وصف این‌که اندکی از طرف امریکا حمایت شده، شکست دهد؟! چی قدرتی برای روسیه وجود دارد؛ در حالی‌که به سرعت نیروهای خود را از اطراف پایتخت "کییف" در همان مراحل اول جنگ و قبل از از دیاد حمایت غربی برای اوکراین بیرون کشید؟! یعنی در زمانی‌که اوکراین کمترین قدرت را داشت! لذا طوری‌که شما گفتید: «برای روسیه ممکن است مانند بحران موشکی کوبا با تهدید ایالات متحده امریکا جواب آن را بدهد» این یک سخن غیر واقعی است. پس روسیه امروزه مانند اتحادیه جماهیر شوروی گذشته نیست که در زمان بحران موشک‌های کوبا بوده است. اما در خصوص مسئله مشارکت بین المللی که در سوال شما وارد شده باید گفت: مشارکت بین المللی در نزد امریکائی‌ها به این معنی است که باید دولت‌های بزرگ در مقابل موافقت امریکا و با در نظر داشت چیز اندکی توسط امریکا از منافع و درآمدهای بین المللی پرداخت شده، به خدمت و مصالح امریکا باشند؛ به گونه مثال: روسیه در سال 2015م با دخالت نظامی‌اش در سوریه در خدمت مصالح امریکا قرار گرفت، روسیه به حیث یک دولت بزرگ صدای "ویتو" را در شورای امنیت بالا کرد و این منفعت بین المللی بود که نباید کم ارزش داده می‌شد؛ سپس امریکا خواست تا خدمات روسیه را به نفع امریکا در حوضه چین بر ضد کوریای شمالی و بر ضد چین انتقال دهد؛ اما روسیه این خواست را رد کرد. لذا امریکا شروع به سرکوب و ضربه زدن به روسیه نموده و روسیه را نشانه قرار داد که چرا در سوریه تسلط پیدا کرده. همچنان امریکا در مسائل دیگری مانند جنگ آذربایجان، ارمنستان و دیگر مسائل متعدد روسیه را مورد فشار قرار داد.

این اندیشه و سیاست امریکایی است. لذا امریکا به تقسیم قدرت با کسی نمی‌اندیشد؛ بلکه به فکر اینست که دولت‌هایی که بنام دولت‌های بزرگ یاد می‌شوند، آن‌ها را به خاطر تحقق مصالح خود در گوشه گوشه جهان شریک ساخته و بعضی از دست‌آوردهای بین المللی که امریکا به دادن آن برای آن دولت موافقت دارد، پرداخت کند. این فکر و تعامل امریکایی با چین، روسیه و دولت‌های اروپائی است. امروزه که امریکا در پی توسعه نقش آلمان در شرق اروپا در مقابل با روسیه است، از جنس همین روش و فکر سیاسی است؛ اما تمام این توسعه نقش آلمان در زیر نظر قیادت امریکا و برنامه‌های آنست؛ اگر آلمان تصمیم خروج از قیادت امریکا و برنامه‌های آن را روی دست گیرد و بخواهد به تنهایی خودش عمل نماید، یقیناً که امریکا آن را به تنگنا قرار خواهد داد و این منطق است که فکر و اندیشه امریکایی آن را رهبری می‌کند.

4- اما این سخن وارده در سوال «وقتی هند بر واردات نفت از روسیه توافق کرد؛ چرا ایالات متحده امریکا تحریمات را بر آن وضع نکرد؟» جواب اینست که امریکا بر هند کدام تحریماتی را وارد نکرد؛ چون اگر تحریمات را وضع می‌نمود، راهکار سیاسی مزدورانش را به رهبری "مودی" و حزب آن "بهارتیا جاناتا" تهدید می‌کرد. بناءً امریکا با خرید نفت و گاز روسیه توسط هند مخالفت نکرد؛ زیرا او نمی‌تواند بدیلی مثل آن آماده بسازد؛ اگر هند به خرید منابع انرژی از روسیه توقف می‌کرد؛ چنانچه در آلمان این اتفاق افتاد، به زودی نرخ اسعار در هند افزایش می‌یافت و این چیزی بود که مردم توان تحمل آن را نداشته و احتمال می‌رفت که این مسئله بر حکومت "مودی"، مزدور امریکا تأثیر می‌گذاشت. در نتیجه مردم این حکومت را سقوط می‌داد و این همان فرصتی است که مزدوران انگلیس در حزب کنگره هند که خوب قوی اند، لحظه شماری می‌کنند. حتی امریکا برای هند اجازه می‌دهد که از روسیه سلاح خریداری کند؛ چنانچه این مسئله از زمان به قدرت رسیدن حزب کنگره هند و از ابتداء تأسیس‌اش در سال 1974م تا سال 1998م بر همین منوال و روش بوده؛ مثلاً حزب "بهارتیا جاناتا" برای اولین بار حکومت را به دست گرفت تا سال 2004م حکومت کرد و به همین دلیل حزب کنگره دوباره به حکومت برگشت و تا سال 2004م حکومت کرد. بعد از آن حزب "بهارتیا جاناتا" به حکومت برگشت که تا اکنون بر حکومت هستند. دلیل پیروزی این حزب عقب‌نشینی‌های حکام مزدور پاکستان بود که امریکا آن‌ها را بر این عقب‌نشینی‌ها مخصوصاً در کشمیر دستور داد؛ مسئله‌ای که طرفداران این حزب را زیاد کرده و در وقتی‌که هند موشک‌های "اس 400" را از روسیه خریداری

کرد، امریکا تحریماتی را که بر ترکیه وضع کرده بود، بر هند وضع نکرد؛ بلکه هند را از وضع تحریم‌های پیش‌بینی شده در چهارچوب قانون مبارزه علیه دشمنان امریکا از طریق تحریمات معروف به قانون "کاتسا" معاف کرد؛ به گونه‌ای که پارلمان امریکا نیز ضمن میزان دفاع امریکا در سال 2023م به تاریخ 14 جولای 2022م بر این معافیت مهر صحه گذاشت. البته به بهانه این‌که " این معافیت به زودی روابط دفاعی ایالات متحده امریکا و هند را تقویت خواهد کرد." (منبع: آناسو 16 جولای 2022م)

این عمل‌کرد امریکا یک عمل‌کرد دوگانه‌ای بود که بر ترکیه به این هدف و در چهارچوب این قانون وضع گردیده؛ ولی بر هند وضع نگردید؛ چیزی که واضح ثابت می‌سازد که امریکا از فقدان نفوذ خود در هند به وسیله سقوط مزدوران، یعنی حزب "بهارتیاجاناتا" ترس دارد؛ در صورتی‌که مثل این تحریم‌ها را بر هند وضع کند و این کشور را از خرید منابع انرژی از روسیه مانع شود، این خطر محسوس می‌گردد؛ در حالی‌که وضع این تحریم‌ها بر اردوغان و حکومت آن که بر محور امریکا می‌چرخد، این تأثیر را نداشته، حتی طرفداران آن را زیاد می‌کند و با روابط امریکا این مشکل سرپوش گذاشته می‌شود.

5- اما موارد دیگری که در این سوالات در خصوص نفت و گاز وارده شده، جواب آن چنان است که ذکر می‌شود:  
ا- در حقیقت کشور متضرر شماره یک قطع لاین واردات انرژی روسیه تنها اروپا است؛ به این دلیل که اروپا تهدید خطرانی را که از ناحیه نزدیکی با روسیه به وجود خواهد آمد، بیش‌تر پیش رو دارد. به همین دلیل، اروپا در صورت عدم نیاز به نفت و گاز روسیه می‌خواهد با توافق با امریکا با قوت بیش‌تری بر ضد روسیه استاده گی کند؛ اگر اروپا توان تحمل این فشارها را می‌داشت. لذا درست نیست که گفته شود امریکا اروپا را به سمت نجات از وابستگی انرژی روسیه به مسیر دیگری جهت داده، با وصف این‌که این توجه امریکا یک عمل استراتژیک قدیمی و کنونی امریکا است. قول درست اینست که امریکا از طریق محکم ساختن موقف‌گیری‌های اوکراین و حمایت از آن و کشاندن این کشور در برابر غرب با داخل ساختن روسیه در اوکراین و داخل نمودن روسیه در این گرداب، تهدیدی را بر اروپا ایجاد کرده و وقتی روسیه تهدید واقعی بر اروپا شد، دولت‌های اروپایی داوطلبانه با استراتژی امریکا همسو و انرژی روسیه را از اروپا قطع کردند و این عمل‌کردشان افزایش نرخ گاز طبیعی را در پی داشت؛ به گونه‌ای که قبلاً این گاز از طریق خطوط لوله می‌آمد؛ نه از طریق تانکرهای دریایی که گاز را به صورت مایع انتقال می‌دهد. به همین دلیل در آن وقت این گاز قیمت کمی داشت؛ اما وقتی آن لوله‌ها قطع شد، نیاز پیدا شد که این گاز از طریق تانکرهای دریایی منتقل شود. این یک مصرف صنعتی مایع ساختن گاز است که بالای دولت‌های صادرکننده گاز می‌آید و سپس این گاز در دولت‌های وارد کننده به حالت عادی خود برگردد.

ب- اما افزایش قیمت نفت یک قضیه جهانی است؛ نه قضیه متعلق و مخصوص به اروپا، برخلاف قضیه گاز؛ زیرا امریکا از افزایش قیمت نفت نیز متضرر شده و همچنان در مورد غلج‌جات نیز می‌توانیم بگوئیم که کشورهای صادر کننده این ماده یعنی روسیه و اوکراین صادراتشان را معطل کرده. به این معنی که افزایش قیمت غلج‌جات نیز جهانی است؛ نه مخصوص اروپا. در اروپا مانند سایر نقاط جهان قضیه کمبود غلج‌جات و کمبود نفت قضیه افزایش قیمت به خاطر تدارک و انتقال آن از دیگر مناطق غیر از روسیه و اوکراین است؛ اما قضیه گاز طبیعی غیر از این مسئله است. سبب افزایش قیمت گاز طبیعی صنعت مایع ساختن گاز و کمبود تانکرهای انتقال دهنده گاز است. همچنان ازدیاد وابستگی جهان بر مصرف گاز طبیعی که در طی چند دهه به سبب آب و هواء یکی از عوامل افزایش گاز است؛ یعنی گاز استفاده می‌شود تا آلودگی و خطرات را مانند زغال سنگ و انرژی هسته‌ای کم کند.

ج- اما امریکا فکری در سر دارد که قیمت گاز طبیعی بین المللی به اساس دالر باشد و این یک مسئله جدی است؛ ولی در پس این موضوع و خواست امریکا مخالفت‌ها و موانع زیادی است؛ مثلاً روسیه با چین و بعضی دولت‌های دیگر توافق نموده که معاملات تجاری به اساس پول‌های منطقوی صورت گیرد. این راهکار روسیه از سال 2014م راه باز کرده و شایع شده است و حتی بیش‌تر دولت‌ها از زمان بحران اقتصادی، یعنی 2009م چنین فکری دارند؛ از وقتی‌که دولت‌های جهانی شدت وابستگی شان را بر دالر امریکائی درک کردند. به این ترتیب، می‌توانیم بگوئیم که راهکار معاملات تجاری به وسیله غیر دالر در زمان فعلی رواج یافته، هر چند که محدود می‌باشد.

به نظر می‌رسد که امریکا نرخ فائده و سیاست دالر را به صورت قوی جدیداً از سال 2022 م در پیش‌گرفته و می‌خواهد وابستگی به دالر را دوباره تقویت نموده و راه معاملات تجاری را به غیر از دالر و سایر پول‌ها ضعیف سازد. به درازمدت سیاست اقلیمی منجر به افزایش وابستگی به گاز طبیعی بین‌المللی و بالا رفتن اهمیت این ماده از منابع انرژی می‌شود و در نتیجه مسئله قیمت‌گذاری این منبع انرژی به دالر مفاد زیادی برای امریکا خواهد داشت.

د- مهم‌ترین نقطه‌ای که باید آن را متوجه بود، موفقیت امریکا در خصوص قطع پایب لوله خطوط، مانند لوله "نوردستریم" است؛ یعنی امریکا آن خطوط انرژی را قطع نموده که بر اراده و حاکمیت امریکا نیست. چیزی که این مسئله را واضح می‌سازد، اینست که امریکا خطوط گاز ترکیه را که با روسیه توافق داشت، قطع نکرد و "پوتین"، رئیس‌جمهور روسیه از قصد ایجاد یک مرکز واردات گاز روسیه به اروپا را از طریق ترکیه خبر داد؛ به این معنی که امریکا می‌خواهد تجارت گاز روسیه را به اروپا از طریق راهی که تحت کنترل "واشنگتن" است، استقبال کند.

**6 ربیع الآخر 1444 هـ.ق.**

**31 اکتبر 2022 م.**

**مترجم: مصطفی اسلام**